

فراتر از نمرات و درک ظاهری مطالب

نویسنده: کارول آن تاملینسون^۱

مترجم: محمدرضا امینی

چشم‌انداز من از مشاهده کار دانش‌آموز از سال‌ها تدریس متأثر است. البته هنوز مدعی نیستم که به درستی آن را فهمیده‌ام، ولی فکر می‌کنم در این موضوع، نسبت به سال‌های اولیه تدریسم، آگاه‌تر شده‌ام. در طول این سال‌ها، به چهار جمع‌بندی رسیده‌ام. اگرچه بخشی از وجودم آرزو می‌کند که کاش کسی این چیزها را هنگامی که من یک تازه کار بودم به من می‌گفت، ولی متوجه هستم، میان کسی که فهرستی از باید‌ها و نبایدها را در دست دارد و کسی که می‌داند یادگیری چگونه اتفاق می‌افتد، تفاوت وجود دارد. چهار عنصری که فلسفه مرا درباره مشاهده کار دانش‌آموز تشکیل می‌دهند، به شرح زیرند:

وضوح همه جانبه

اثربخشی من در هدایت دانش‌آموزان، از مدت‌ها پیش از اینکه کار دانش‌آموزان را در حال پیشرفت مشاهده کنم، پروژه‌ای را انتخاب کنم و یا به عملکردی پاسخ دهم، شروع می‌شود. می‌باید هر بخش از مطالعه را (اعم از یک روز، یک هفته، یک واحد، یک دوره مشخص یا یک سال) با این روشنگری شروع می‌کردم که چه چیزی برای دانستن، درک کردن و توانستن دانش‌آموزان، در خلال این دوره از بیشترین اهمیت برخوردار است. هرچه که در آموزش و سنجش پی گرفته می‌شود، باید با این تصمیم هماهنگ باشد. وقتی این روشنگری را انجام می‌دادم، باید اطمینان حاصل می‌کردم که دانش‌آموزانم همان‌قدر در مورد هدفمان روشن و آگاه‌اند که من هستم. اگر دانش‌آموزان این «برنامه‌ریزی» را درک کنند، تمرکز آن‌ها بر تمریناتشان بیشتر خواهد شد و ظرفیت موفقیت در آن‌ها ارتقا خواهد یافت. علاوه بر آن، قدرت قضاوت و واکنش من به کارهایشان نیز هدفمندتر، مؤثرتر و نتیجه‌بخش‌تر خواهد بود.

1. Carol Ann Tomlinson

حق تقدم با دانش آموزان است

در پاسخ گویی به کار دانش آموز، بیشتر به گفت و گو با یک کودک فکر می کنم تا به برگه های امتحانی. وقتی دانش آموز در کانون توجه قرار می گیرد، چند چیز اتفاق می افتد. به خاطر دارم که برگه امتحانی به یک نوجوان متعلق بود و می خواستم که عکس العمل من، به ترغیب آن دانش آموزو تأیید آنچه او به طور ثمربخشی انجام داده بود، منجر شود تا بازگرداندن یک برگه امتحانی که نشان دهد درکی ظاهری از آن مطلب داشته ام. حتی وقتی مجبور منمره ای بدهم، مایلم بازخوردی را فراهم کنم که حکایت مهم تری را بیان کند. می خواهم اظهارنظرهایم آموزنده باشند تا دانش آموز بیشتر احساس توانمندی بکند تا احساس ضعف.

همچنین، می خواهم دانش آموز هر بخش از کار را بیشتر به عنوان یک گام از یک فرایند به هم پیوسته و طولانی رشد ببیند تا به عنوان یک حکم نهایی. برای مثال، اگر کاری به طور کامل خدشه دار شده باشد و ضروری باشد که آن واقعیت گفته شود، ترجیح می دهم این گونه پیام بفرستم: «این بهترین کار شما نیست. شما با این روش ها به هدف نمی رسید. بیا یاد اهدافی را مشخص کنیم که به شما اطمینان می دهند، کاری کیفی انجام می دهید.» وقتی به دانش آموزی فکر می کنم که برگه امتحانی او را برمی گردانم، بازخوردی که به او می دهم، بیشتر به عنوان یک مربی یا ناظر است تا به عنوان یک داور.

توان دانش آموز

بهترین کار معلم این است که به دانش آموزان اختیار دهد تا بتوانند رشد تحصیلی خودشان را رهبری کنند. چگونگی مشاهده و بازخورد من نسبت به کارهای دانش آموزان، بخش مهمی از چگونگی تسهیل گری من در هدایت آن ها به سوی این رهبری است. بدون تردید، جهت دادن به تکلیف ها، که به منظور روشن شدن هدف ها صورت گیرد، از اهمیت برخوردار است. زمان بندی تکلیف ها و تحویل آن ها به فاصله های زمانی معین، به دانش آموزان کمک می کند تا ترس از تحویل در آخرین لحظه را نداشته باشند و کارشان را بهتر انجام دهند. دعوت از دانش آموزان برای مرور درس ها و با به کارگیری توضیحات و راهنمایی ها، می تواند به آن ها در بازنگری کیفی کار کمک کند. وقتی کارهای در حال انجام کلاس را بررسی می کنم، گاهی بهتر است از آن ها سؤال هایی بپرسم شود تا اشتباهات آن ها را یادآور شوم. شاید به دانش آموزان بگویم: «پاسخ های شما را بررسی می کنم و می خواهم شما نیز دریابید که چرا نگران هستم. به زودی باز می گردم تا ببینم چه تصمیمی گرفته اید.»

آموزش دقیق به دانش آموزان برای ارائه بازخورد واضح به یکدیگر، به آن ها کمک می کند تا دریابند موفقیت چیست و عدم موفقیت کدام است. برای مثال، وقتی دانش آموزی می گوید: «30 دقیقه مطالعه کرده است» و از یک هم کلاسی می شنود که می گوید: «این هفته هر شب کار کردم تا مطمئن شوم که آماده ام»، می تواند

روشنگرانه باشد.

به خصوص مایلم از دانش‌آموزانی که قصد دارند به بازخوردی که برای کارشان دریافت کرده‌اند، مراجعه کنند، بپرسم: «نقاط قوت چیست و چه کارهایی باید انجام دهید تا به قوت‌ها دست یابید؟ چه چیزهایی نیاز به توجه دارند و چطور به این فاصله‌ها توجه خواهید کرد و چه اصلاحاتی را در بخش بعدی کارتان خواهیم دید؟» به عبارت دیگر، پاسخ من به کار دانش‌آموزان کمک می‌کند تا یاد بگیرند، به شکل مؤثرتری یاد بگیرند.



گهگاه یا دائم

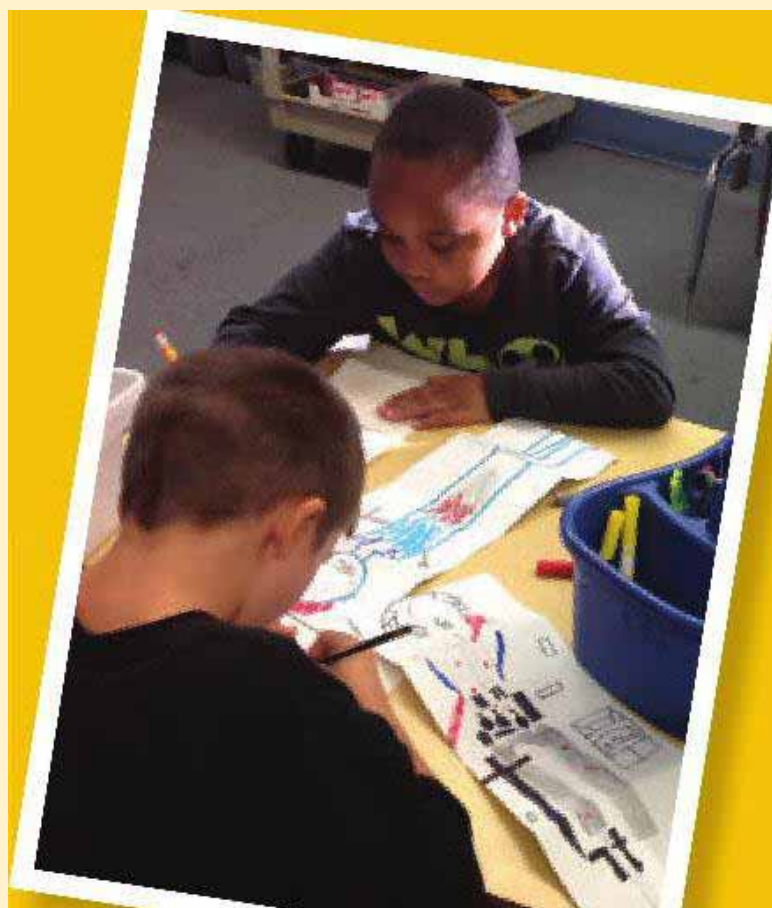
با تذکره‌های^۱ و یتس^۲ (۲۰۱۴) درباره اینکه لازم است بازخورد با هدف‌های متنوع رشد دانش‌آموزان تناسب داشته باشد، موافقم. در واقع، کودکان به روش‌های متنوعی رشد می‌کنند و در تداوم زمان‌های متفاوت پرورش می‌یابند.

وقتی کار دانش‌آموزی را مشاهده می‌کنم، برای درک اینکه در چه مرحله‌ای از رشد خود است، وقت زیادی را می‌گذارم. ضروری است به‌گونه‌ای پاسخ دهم که موجب پیشرفت آن دانش‌آموز در آن لحظه خاص باشم. هتی و یتس پیشنهاد می‌کنند: «از بازخوردهای اصلاحی^۳ برای دانش‌آموزانی استفاده کنید که در مراحل اولیه

-
1. Hatti
 2. Yates
 3. Corrective feedback

زنجیره یادگیری هستند؛ از بازخوردهای فرایندی^۱ در مراحل میانی و از بازخورد پیچیده و مفهومی^۲ در سطوح پیشرفته استفاده کنید.» آن‌ها همچنین به ما یادآوری می‌کنند که هم‌زمان با رشد دانش‌آموزان، بازخوردهای ما باید آن رشد را منعکس کند. پاسخ‌های ما نباید چشم‌داشتی را نشان دهد که موجب بی‌حرکی شود.

در پایان، چگونگی مشاهده و پاسخ‌گویی به کار دانش‌آموز، باید مرا در افزایش درک نسبت به دانش‌آموز، به محتوا و به مهارت خود یاری دهد. همچنین، این درک باید یک میانجی برای رشد دانش‌آموزان باشد؛ چه در مورد آنچه که یاد می‌گیرند و چه در مورد چگونگی طی کردن فرایند یادگیری.



-
1. Process feedback
 2. Elaborate and conceptual feedback